معنای استمرار در حرف «ص» و «ل»

فعلاً از اینجا به مادهی «صلاة» برگردم. به ذهنم اینطور میآید که در «ل» یک جور توالی و استمرار است. «وَلَیَ» از کلماتی است که معنای لام را خیلی خوب نشان میدهد. چون آن دو حرف دیگرش، حروف علة است. محوریت ولایت و فهم معنای ولایت، برای ما معنای لام را خیلی روشن میکند. چون در کلمهی «وَلَیَ یلی؛ ولایة» دو حرف دیگرش، واو و یاء است. دیدی که آقای حسن جبل، واو و یاء را کنار میگذارد. در کلمهی ولایت، «ل» خودش را خیلی نشان میدهد. شاید در «ل» معنای قرب و استمرار و پی در پی آمدن باشد. «یلیه» یعنی این رها نمیشود و پشت سرش دیگری میآید.

خُب، «ص» به چه صورت است؟ «صاد» هم همینطور است. در معنای «صاد» هم برقراری و حرکت است. در «حیة تسعی» عرض کردم که خود حرکت، عدم زوال است. خود حرکت، استمرار یک امر است. تا متحرک است، این امر برای او استمرار دارد. خُب، ما از کجا میگوییم؟ من به خیالم میرسد که از کلمهی «فصل» و «وصل» در اشتقاق کبیر، برای پل زدن به «صلو» و «صلی»، خیلی میتوانیم استفاده کنیم. اگر در «صاد» و «لام» معنای استمرار باشد، «وصل» این است: یک چیزی که مستمر بود، الآن حالت اجتماع پیدا کرده است. «فصل»، آن استمراری است که از مبدأیی که داشت، شروع میشود: «وَلَمّا فَصَلَتِ الْعِیرُ»[1]: یعنی کاروان راه افتاد. «فصل»، شروع یک امر مستمر است. «وصل»، رسیدن یک امر مستمر است. در مقابلش «واو» به آخر کلمه میرود. یک امر مستمر، بهسوی واو میرود. «واو»، اجتماع و الصاق است. کما اینکه در «صلی»، یک امر مستمر بهسوی سفل میرود ای نوعاً دلالتش بر سفل است. بهسوی پایین است. من سریع این معنا را گفتم. شما شواهدی علیه ای له آن بیاورید.

«صلو» یعنی یک حرکت شروع شود و بهسوی بالا برود. بهسوی یک علو برود.

---

[1]. یوسف، آیهی ۹۴.

بازبینی #3
ایجاد شده 7 مارس 2024 11:31:17 توسط ... .
به روزرسانی شده 24 آوریل 2024 12:53:21 توسط ... .